

بخش اجتماعی – دوازدهم بهمن سال ۱۳۹۲ بود که زن میان سالی ماجرای گم شدن همسر ۴۶ ساله اش را فاش کرد.

«م» که خود را وکیل دادگستری معرفی می کرد با مراجعه به اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی گفت: همسرم ساعت ۱۶:۳۰ هشتم بهمن (چهار روز قبل) به قصد عزیمت به یکی از شهرهای جنوبی خراسان رضوی از منزل خارج شد و دیگر اطلاعی از سرنوشت او ندارم! در پی اعلام این گزارش، پرونده در «دایره ققدانی ها» رسیدگی شد و بدین ترتیب استعلام از مراکز قانونی مانند زندان، بهزیستی، پزشکی قانونی، مراکز درمانی و … درحالی آغاز شد که تحقیقات میدانی غیرمحسوس کارآگاهان در اطراف محل زندگی مرد ۴۶ ساله، حکایت از وجود اختلافاتی بین او و برادران همسرش داشت.

حمله نقابداران

با این سرنخ، بررسی کارآگاهان ماجرای هولناکی را افشا کرد. تحقیقات نشان می داد یک ماه قبل و در تاریخ ۹۲،۱۰،۴ ، «پ» (مرد ۴۶ ساله) از بجنورد به مشهد بازگشت. ساعت حدود ۲۱:۳۰ بود که «پ» برای بازکردن در پارکینگ از خودرو پیاده شد در همین حال سه مرد نقابدار به وی حمله کردند و او را با ضربات چاقو هدف گرفتند. در حالی که مرد مجروح یکی از نقابداران مسلح به سلاح سرد را شناخته بود، در مرکز درمانی بستری شد و از ضاربان شکایت کرد. اما او فقط ۲۴ ساعت روی حرف خود ماند و بعد از آن با دست نوشته ای ادعای خود را پس گرفت و نوشت که در تشخیص ضاربان اشتباه کرده است! همین دست نوشته توسط همسر ققدانی که در امور وکالت فعالیت دارد ضمیمه پرونده شد، این درحالی بود که مرد مجروح، طی روزهای بعد از این ماجرا، با تهدیدهای ناشناسی مواجه شد که اگر شکایتی مطرح کند این بار او را می کشند!

پیگیری پرونده در دایره قتل

با مشخص شدن ماجرای تهدیدهای مرگبار که هفت بار از تلفن های عمومی شهری گرفته شده بود، این پرونده رنگ جنایی به خود گرفت و موضوع گم شدن مرد ۴۶ ساله وارد مرحله جدیدی شد بنابراین، پرونده مذکور به دایره قتل اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی ارجاع شد و کارآگاهان به تجزیه و تحلیل های کارشناسی پرداختند.

فرضیه قتل قوت گرفت

با مطرح شدن ماجرای حمله نقابداران به مرد ۴۶ ساله، تحقیقات گسترده کارآگاهان با صدور دستوراتی از سوی قاضی ویژه قتل عمد در زمان وقوع حادثه، ادامه یافت و آن ها دو تن از برادران همسر مرد گم شده را احضار کردند اما هیچ سرنخ مستندی به دست نیامد! این گونه بود که مقام قضایی دستور آزادی بلاقید دو فرد مظنون را صادر کرد ولی کارآگاهان با تجزیه و تحلیل های اطلاعاتی و بررسی سرنخ های موجود، باز هم به نتیجه ای می رسیدند که نشان از قتل مرد ۴۶ ساله داشت.

بخش اجتماعی– از زمانی که با همسرم ازدواج کردم او داخل شکم من «G.P.R.S» کار گذاشته و هر جایی که می‌روم رد مرا می‌زند، به همین دلیل از دست او ناراحت و با وی درگیر شدم.
ظهر ۲۷ اردیبهشت ماه سال جاری مردی با پلیس تماس گرفت و اعلام کرد همسرش را در منزلشان به قتل رسانده است.

با اعلام این خبر، به سرعت تیمی از مأموران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه برای بررسی صحت و سقم موضوع به محل اعلام خبر در طبقه چهارم ساختمان چهار طبقه در منطقه مسعودیه اعزام شدند که مأموران انتظامی پس از ورود به منزل با جسد زن چهل و هفت ساله‌ای داخل حمام و در حالی که طناب پرده دور گردش

بخش اجتماعی– از زمانی که با همسرم ازدواج کردم او داخل شکم من «G.P.R.S» کار گذاشته و هر جایی که می‌روم رد مرا می‌زند، به همین دلیل از دست او ناراحت و با وی درگیر شدم.

به گزارش خبرنگار حوادث باشگاه خبرنگاران پویا؛ ساعت پنج بعدازظهر روز گذشته مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار با بازپرس کشیک قتل پایتخت تماس گرفته و خبر یک درگیری منجر به قتل را به بازپرس اعلام کردند.
بنابر اظهارات اولیه مأموران، مرد سی ساله‌ای در یک نزاع در مغازه پتوفروشی در خیابان مصطفی خمینی، سید اسماعیل دوم دچار جراحت شده و پس از انتقال به بیمارستان سینا به علت شدت جراحات جان خودش را از دست داده بود.

با دستور بازپرس امور جنایی تهران جسد مقتول برای بررسی بیشتر به

بخش اجتماعی– یک سال قبل مردی به مأموران پلیس اراک مراجعه کرد و مدعی شد متوجه شده است همسرش با چند مرد رابطه دارد. او به پلیس گفت بررسی‌هایش همه‌چیز را روشن کرده و حالا او می‌داند همسرش حتی با چه کسانی رابطه داشته است.

این مرد به بازپرس گفت: مدتی بود که به همسرم مشکوک شده بودم. وقتی رفتارهای او را زیرنظر گرفتم، متوجه شدم بعد از اینکه من از خانه بیرون می‌روم او رفت‌وآمدهای مشکوکی دارد. وقتی تلفن همراه همسرم را چک کردم و پیامک‌های او را خواندم، متوجه شدم اشتباه نکرده‌ام و او با چند مرد ازجمله باجنانم رابطه دارد.

با شکایت این مرد همسر او بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها قبول کرد با چند مرد رابطه داشته است و دخترترچه هشت‌ساله او نیز اعتراف کرد که مادرش را دیده با مردان غریبه در خانه رابطه برقرار می‌کند. او به بازپرس گفت: مادر هر بار مرد غریبه‌ای را به خانه می‌آورد، من را داخل اتاق می‌کرد و با او رابطه داشت. من را تهدید کرده بود به کسی چیزی نگویم و حتی به من گفته بود که اگر حرفی بزنم دستم را با چنگال می‌سوزاند. با توجه به این شکایت، متهمان بازداشت شدند و از آنجایی که محل وقوع جرم تهران بود پرونده به تهران فرستاده شد. بعد از انجام بازجویی‌های اولیه در شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران پرونده برای رسیدگی آماده شد. روز گذشته مینا، متهم پرونده، به همراه شوهرخواهرش کامبیز و متهم دیگر به نام آرمن به دادگاه آورده شدند. هر سه متهم اتهام را رد کردند و مدعی شدند شوهر مینا دروغ می‌گوید. در ابتدای جلسه رسیدگی شوهر مینا در جایگاه قرار گرفت و یک بار دیگر شکایتش را مطرح کرد و گفت: من پرینت تلفن‌های همسرم را گرفته‌ام و در پرونده موجود است. او به من خیانت کرده و من خواستار مجازات همه متهمان هستم. سپس نوبت به مینا رسید. او اتهام رابطه نامشروع و خیانت را رد کرد و گفت: من و شوهرم زندگی خوبی با هم داشتیم، اما من تصمیم گرفتم مهریام را

{گیلان زمین }

جزئیات کشف یک جنایت پیچیده

زنی که می گفت شوهرش در میدان جنگ با داعش است، قاتل او از آب در آمد

مشاهده شدن مرد گم شده در کشورهای دیگر

درحالی که پلیس همچنان به تحقیقات خود درباره گم شدن مرد ۴۶ ساله ادامه می داد هر از چند گاهی، گزارش های همسر «پ» روند تحقیقاتی این پرونده را به سوی دیگری می کشاند. «م» که مدام پیگیر پرونده بود گاهی با دادن اطلاعاتی به کارآگاهان مدعی می شد که همسرش با شماره ناشناس از کشور پاکستان تماس گرفته است! گاهی ادعا می کرد با شماره ناشناسی از کشور سوئد تماس داشت! در برخی موارد نیز از مشاهده شدن همسرش در



قم خبر می داد یا مدعی می شد که همسرش را در کشور سوریه و در حال جنگ با داعش دیده اند! و … گزارش اختصاصی خراسان حاکی است: بررسی هر کدام از ادعاهای این زن، موجب طولانی تر شدن رسیدگی به پرونده می شد و در نهایت نیز استعلامات مختلف از مراکز گوناگون قانونی، هیچ نتیجه ای دربرنداشت. با این وجود هنوز هم پیگیری پنهانی و غیرمحسوس سرنخ های اصلی پرونده به برادران همسر مرد ۴۶ ساله می رسید و نقش آن ها را در این ماجرا پررنگ‌تر می کرد.

ماجرای کارت ملی

بررسی های شبانه روزی با نظارت مستقیم رئیس پلیس آگاهی به عمق محتویات پنهان پرونده کشیده شد تا این که سرنخ های اختلاف خانوادگی، پای دو برادرزن و همسر مرد گم شده را به میان کشید. در همین زمان قاضی ویژه قتل عمد با صدور دستوری قاطع، از کارآگاهان خواست دو برادرزن مرد ۴۶ ساله را بازداشت کنند. در اثنای تحقیقات و بازجویی های گسترده، راز شش سیم کارت مخفی افشا شد که همه آن ها به نام فردی ناشناس بود. ادامه تحقیقات که گاهی به جلسات بامدادی با حضور قاضی شعبه ۲۱۱

مرد همسر گش در بیمارستان روانی بستری می شود

پیچیده شده بود، مواجه شدند.

دقایقی بعد مراتب این اتفاق به بازپرس کشیک قتل پایتخت نیز اعلام و به این ترتیب محسن مدیرروستا؛ بازپرس امور جنایی تهران به همراه اکیپ تشخیص هویت آگاهی در صحنه جرم حاضر شدند.
با حضور بازپرس در صحنه جرم، تحقیقات از شوهر پنجاه ساله مقتول آغاز شد و وی در اظهارتش به بازپرس گفت: ۲۴ سال قبل با همسرم ازدواج کردم و دو دختر دارم، زمان وقوع قتل دخترم مدرسه بودند، از زمانی که با همسرم ازدواج کردم او داخل شکم من «G.P.R.S» کار گذاشته و هر جایی که می‌روم رد مرا می‌زند، به همین دلیل از دست او ناراحت و با وی درگیر شدم، دعوی ما از داخل

فحاشی دو مرد در بازار به قتل انجامید

پزشکی قانونی انتقال یافت و یک متهم که درباره این پرونده بازداشت شده بود، بیش از ظهر دیروز به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. متهم این پرونده که ۳۰ سال نام دارد در اظهاراتش به محسن مدیرروستا؛ بازپرس ویژه قتل پایتخت گفت: من در خیابان سیروس پتوفروشی دارم و قتل در مغازه من اتفاق افتاده است؛ روز گذشته حدود ساعت ۱۳:۳۰ از مغازه خارج شدم و حدود ساعت ۱۴:۳۰ به مغازه بازگشتم که سعید (کارمندم) گفت مقتول با تلفن مغازه تماس گرفته و به وی فحاشی کرده است. وی ادامه داد: من با مقتول اختلاف حساب مالی دارم و زمانیکه در مغازه حضور نداشتم او با سعید صحبت کرده و ظاهراً پشت تلفن فحاشی کرده بود که سعید نیز به او فحاشی کرده بود اما من به سعید گفتم تو نباید به مقتول فحاشی می‌کردی. این

داسرای عمومی و انقلاب و رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی کشیده می شد نشان می داد که ردپای مردی به نام «س» در این ماجرا وجود دارد. بعد از انجام تحقیقات گسترده «س» شناسایی شد و گفت: اواخر سال ۹۱ د

بولوار وکیل آباد با راننده یک دستگاه پژو که خود را مامور آگاهی معرفی می کرد، تصادف کردم و چون خسارت آیینه بغل بسیار جزئی بود او کارت ملی مرا گرفت تا خسارتش را پرداخت کنم! اما دیگر به تماس هایم پاسخ نداد. گزارش خراسان حاکی است کارآگاهان که دیگر به سرنخ های مهمی رسیده بودند با صدور دستوراتی از سوی قاضی میرزایی، راننده پژو را به آگاهی احضار کردند و بدین ترتیب مشخص شد که «ق» (راننده پژو) با استفاده از کارت ملی «س» چند سیم کارت تلفن همراه دریافت کرده است.

اعترافات هولناک

با افشای ماجرای سیم کارت های پنهانی و به کارگیری شیوه های تخصصی و فنی در پلیس آگاهی پرده از ماجرای ارتباط «ق» با همسر مرد گم شده برداشته شد و این گونه احتمال جنایت قوت گرفت. بنابراین گزارش پس از انجام یک سری تحقیقات گسترده فنی که با نظارت رئیس آگاهی و راهنمایی های مداوم مقام قضایی همراه بود، بالاخره راز این پرونده جنایی به گور مخوفی در گورستان جاده قدیم قوچان کشیده شد. اعترافات برادر زن «پ» حاکی از آن بود که آن ها به دلیل اختلافات خانوادگی نقشه قتل «پ» را با همدستی خواهرشان و همکاری «ق» کشیده اند. «ق» در بازجویی ها مدعی شد فقط ارتباط کاری با همسر مرد ۴۶ ساله داشته و برای

او پرونده های وکالتی جور می کرده است اما در نهایت همسر «پ» نیز راز جنایت را فاش کرد و گفت: روز حادثه وقتی دخترم را به مدرسه بردم به منزلم بازگشتم و قرص سمی خطرناکی را داخل یک لیوان شربت حل کردم و آن را به همسرم دادم. او بلافاصله بعد از خوردن شربت جان باخت و سپس با هماهنگی قبلی «ق» و یکی از برادرانم برای انتقال جسد آمدند.

راز گور سیمانی

گزارش خراسان حاکی است: تحقیقات پلیس و مقام قضایی نشان داد که متهمان جسد مرد ۴۶ ساله را داخل پتو پیچیده و در زیر تخت داخل حیاط پنهان کرده اند و شب هنگام با خودروی «ق» به گورستانی در یکی از روستاهای اطراف جاده قوچان انتقال داده اند. سپس در تاریکی شب، جسد را دفن کرده و روی آن گالن بزرگ اسید را ریخته اند تا اثری از جسد باقی نماند و روی گور را سیمان کردند.
گزارش خراسان حاکی است با اعترافات متهمان، دستور نیش قبر از سوی قاضی میرزایی صادر شد و بدین ترتیب بقایای جسد مرد ۴۶ ساله برای انجام معاینات در حالی به پزشکی قانونی انتقال یافت که بررسی ها برای کشف زوایای پنهان این پرونده جنایی همچنان ادامه دارد.

اتاق پذیرایی آغاز و به داخل حمام کشیده شد، من در حمام با طناب پرده او را خفه کردم و بعد قتل با پلیس تماس گرفتم.
تحقیقات اولیه نشان داد که متهم پرونده مدت‌هاست که اعتیاد به شیشه دارد.با دستور بازپرس جسد مقتول برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد و بازپرس دستور داد وضعیت روحی و روانی قاتل در پزشکی قانونی بررسی شود که کارشناسان پزشکی قانونی پس از بررسی قاتل، اعلام کردند وی در هنگام ارتکاب جرم دارای جنون بوده است.
با اعلام نظر کارشناسان پزشکی قانونی، بازپرس پرونده دستور داد تا قاتل در یک بیمارستان روانی بستری شود.

سال هجدهم/ شماره ۴۸۱۰

مناسبت

عصر امام صادق (ع)



عصر امام صادق (ع) یکی از طوفانی‌ترین ادوار تاریخ اسلام است که از یک سواغتشاشها و انقلابهای پیبایی گروههای مختلف ، بویژه از طرف خونخواهان امام حسین (ع) رخ می‌داد ، که انقلاب «ابو سلمه» در کوفه و «ابو مسلم» در خراسان و ایران از مهمترین آنها بوده است . و همین انقلاب سرانجام حکومت بنی امیه را برانداخت و مردم را از یوغ ستم و بیدادشان رها ساخت . لیکن سرانجام بنی عباس با تردستی و توطئه ، بناحق از انقلاب بهره گرفته و حکومت و خلافت را تصاحب کردند . دوره انتقال حکومت هزار ماهه بنی امیه به بنی عباس طوفانی‌ترین و پر هرج و مرج ترین دورانی بود که زندگی امام صادق (ع) را فراگرفته بود .

و از دیگر سو عصر آن حضرت ، عصر برخورد مکتبها و ایدئولوژیها و عصر تضاد افکار فلسفی و کلامی مختلف بود ، که از برخورد ملت‌های اسلام با مردم کشورهای فتح شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج ، به وجود آمده و در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود . عصری که کوچکترین کم کاری یا عدم بیداری و تحرک پاسدار راستین اسلام ، یعنی امام (ع) ، موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات حیات‌بخش اسلام ، هم از درون و هم از بیرون می‌شد .

اینجا بود که امام (ع) دشواری فراوان در پیش و مسؤولیت عظیم بر دوش داشت . پیشوای ششم در گیر و دار چنین بحرانی می‌بایست از یک سو به فکر نجات افکار توده مسلمان از الحاد و بی‌دینی و کفر و نیز مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین باشد ، و از توجیهات غلط و وارونه دستورات دین به وسیله خلفای وقت جلوگیری کند . علاوه بر این ، با نقشه‌های دقیق و ماهرانه ، شیعه را از اصحمال و نابودی برهاند ، شیعه‌ای که در خفقان و شکنجه حکومت پیشین ، آخرین رمق‌ها را می‌گذراند ، و آخرین نفرات خویش را قربانی می‌داد ، و رجال و مردان با ارزش شیعه یا مخفی بودند ، و یا در کر و فر و زرق و برق حکومت غاصب ستمگر ذوب شده بودند ، و جرأت ابراز شخصیت نداشتند ، حکومت جدید هم در کشتار و بی‌عدالتی دست کمی از آنها نداشت و وضع به حدی خفقان‌آور و ناگوار و خطرناک بود که همگی یاران امام (ع) را در معرض خطر مرگ قرار می‌داد ، چنانکه زنده‌هایشان جزو لیست سیاه مرگ بودند . «جابر جعفی» یکی از یاران ویژه امام است که از طرف آن حضرت برای انجام دادن امری به سوی کوفه می‌رفت . در بین راه قاصد تیز پای امام به او رسید و گفت : امام (ع) می‌گوید : خودت را به دیوانگی بز ن ، همین دستور او را از مرگ نجات داد و حاکم کوفه که فرمان محرمانه ترور را از طرف خلیفه داشت از قتلش به خاطر دیوانگی منصرف شد . جابر جعفی که از اصحاب سر امام باقر (ع) نیز می‌باشد می‌گوید : امام باقر (ع) هفتاد هزار بیت حدیث به من آموخت که به کسی نگفتم و نخواهم گفت …

او روزی به حضرت عرض کرد مطالبی از اسرار به من گفته‌ای که سینه‌ام تاب تحمل آن را ندارد و محرمی ندارم تا به او بگویم و نزدیک است دیوانه شوم ..امام فرمود : به کوه و صحرا برو و چاهی بکن و سر در دهانه چاه بگذار و در خلوت چاه بگو : حدثنی محمد بن علی بکنذا وکذا … (یعنی امام باقر (ع) به من فلان مطلب را گفت ، یا روایت کرد) . در چنین شرایط دشواری ، امام دامن همت به کمر زد و به احیا و بازسازی معارف اسلامی پرداخت و مکتب علمی عظیمی به وجود آورد که محصول و بازده آن ، چهار هزار شاگرد متخصص (همانند هشام ، محمد بن مسلم و …) در رشته‌های گوناگون علوم بودند ، و اینان در سراسر کشور پهناور اسلامی آن روز پخش شدند .

هر یک از اینان از طرفی خود ، بازگوکننده منطبق امام که همان منطق اسلام است و پاسدار میراث دینی و علمی و نگهدارنده تشیع راستین بودند ، و از طرف دیگر مدافع و مانع نفوذ افکار ضد اسلامی و ویرانگر در میان مسلمانان نیز بودند .
تأسیس چنین مکتب فکری و این سان نوسازی و احیاگری تعلیمات اسلامی ، سبب شد که امام صادق (ع) به عنوان رئیس مذهب جعفری (تشیع) مشهور گردد .